

## آشنائی با وزن شعر فارسی

سال گذشته برای دانشجویان رشته ادبیات فارسی درس «حافظ» می‌گفتم در اثنای کار به واقعیت تأسف انگیزی پی بردم. اغلب دانشجویان با وزن شعر فارسی آشنائی نداشتند. نه به شیوه سماعی و سائقه ذوق می‌توانستند بیت ناموزون را از موزون تشخیص دهند و نه با تطبیح عروضی.

این بی‌خبری و ناآشنائی در مورد مردم معمولی و دانشجویان رشته‌های علمی وقت، نموداری است از انحطاط ذوقی، اما دانشجویی که به تخصص زبان و ادبیات فارسی می‌خواند و می‌خواهد چند ماه دیگر با گرفتن ورقه لیسانس به عنوان مجتهد و متخصص ادب پارسی قدم به اجتماع گذارد، اگر با وزن شعر فارسی آشنا نباشد و نتواند در مصراع‌های کم و افزونی چند هجا و حتی چند کلمه را تشخیص دهد، دیگر چه امیدی به تمرین و وجودش و تحصیلاتش می‌توان بست؟

این مصیبت جهان بی‌ضابطه زمان ماست که فلان چوپان بی‌سواد بیابان‌گرد، اگر ضمن خواندن دوبیتی‌های محلی در وزن مصراع‌ی به حکم ذوق غریزی احساس کمبودی کرد با کشیدن بعضی کلمات و افزودن اصوات مهمل، به سائقه درک طبیعی، وزن شعر را اصلاح می‌کند؛ اما جوان درس ادب خوانده دانشکده دیده ما نمی‌تواند شکست وزن را دریابد و به جبرانش برخیزد.

این نقیصه شگفت‌انگیز گویا محصول دو علت باشد، یکی تناقل متعصبانه‌ای است که در سالیان اخیر درباره مطالب حفظی معمول افتاده است و به حکم تقلیدی ناقص و ناپجا، از پرورش حافظه پرهیز کرده‌ایم و دانش‌آموزان را عملاً از خواندن و حفظ کردن اشعار باز داشته‌ایم و پنداشته‌ایم که با وجود کتاب و کتابخانه به تلاش حافظه‌نیازی نیست. علت دیگر کوشش سرسختانه گروهی است در عرضه عبارات ناموزون به نام شعر آزاد و شعر بی‌وزن؛ به قصد نفی شرط قریحه و استعداد در کار شاعری.

به فرض آنکه عبارات ناموزون را هم شعر پنداریم و شرط وزن را از تعریف شعر برداریم، باز برای کسی که می‌خواهد در شعر و ادب فارسی به مقام تخصص و اجتهاد برسد، تشخیص موزون از ناموزون شرط لازم و ابتدائی توفیق است. آخر شعر فارسی که منحصر به آثار معدودی ناموزون سرای روزگار ما نیست. دست‌کم سابقه‌ای هزار ساله دارد. مگر ناخوانده استادان عهد ما دعوی کنند که تحصیل این تخصص نیازمند آشنائی با آثار گذشتگان نیست؛ و گرنه خداوند گاران ادب فارسی همیشه وزن را عامل لازم و بسیار مؤثری در تحقق شرط «خیال انگیزی» شعر دانسته‌اند، و کسانی که با داشتن قریحه شاعری و کسب دقایق این فن قدم به جهان ادب گذاشته‌اند، در موارد متعدد با انتخاب وزنی مناسب کلام خود را به اوج اثر بخشی و خیال انگیزی رسانده‌اند. \*

\* برای توصیف صحنه‌های جنگ و حماسه به حکم ذوق سلیم یا آشنائی با اصول علمی

باری ، وزن را شرط لازم تحقق شعر بدانیم یا ندانیم ، مسأله‌ای است مستحدث و مربوط به کافر ماجرائیه‌های روزگار ما .

از عهد رودکی تا روزگار ما هر شاعر و ادیب و شعرشناس و شعرخوانی، شعر را کلام مخیل موزون دانسته است. و کسی که می‌خواهد با شعر فارسی آشنا شود و آن را بفهمد و از آن لذت برد ، چاره‌ای ندارد جز تشخیص وزن . و اگر گوش طبعش بر اثر تحمل بانگهای ناهنجار سنگینی گرفته باشد و حساسیت خود را برای درک غریزی زیر و بم‌های شعر فارسی از دست داده باشد ، ناگزیر است از توسل به وسایل فنی برای رفع گرانی گوش و تقویت سماع طبیعی . کتابهایی که در طول قرن‌ها در ، زمینه عروضی فارسی تصنیف شده است عموماً آثاری هستند مغلق و نادلپسند و به عبارت بهتر ذوق‌کش و نفرت‌انگیز .

علتش آنکه : مؤلفان کتابهای عروض عموماً پیروان کج ذوق و بی‌استعدادی هستند از مکتب خلیل بن احمد ، به تصور اینکه شعر فارسی در قواعد عروض چون شعر عرب است و می‌تواند همان زحاف‌هایی را تحمل کند که شاعران عرب در بکار بردن آنها مجازند و آزاد. غافل ازین واقعیت بدیهی که طبع نازک و گوش حساس شاعر و شعر خوان فارسی زبان به هیچ روی نه می‌تواند تغییرات ارکان و زحاف‌های عروض عرب را بپذیرد و مصراع‌های مزاحف را مربوط به یک بحر بداند و نه تغییر آهنگ و وزن را ناشنیده گیرد ؛ همچنان که در انتخاب قافیه نیز شاعر پارسی زبان مجبور است به رعایت دقایقی که شاعر عرب بکلی از رعایت آنها آزاد است .

تظیر همان بلائی که سال‌ها بر سر دستور زبان فارسی در آوردیم و خواستیم قواعد زبان اشتقاقی عربی را بر زبان پیوندی فارسی تطبیق دهیم و موجودات عجیب و غریبی ساختیم از قبیل مفعول بواسطه ، مفعول بی واسطه ، مفعول مطلق ، مفعول لاجله و غیره و غیره ؛ همان مصیبت را نیز بر سر وزن شعر فارسی آوردیم و خوانندگان را در انبوه اسم‌های عجیب و غریب و قوانین خارج از کلیت فراوان استثنای زحاف و علل گیج و گم کردیم . کتابهای معدودی که بدین شیوه تقلیدی برای عروض فارسی نوشته شد ، آثار بفرنج و متروکی بود که نه مورد حاجت شاعران بود و نه مورد مراجعه شعر دوستان . به قطع و

←  
موسیقی، وزن متقارب را به خدمت گرفته‌اند که :

چو فردا بر آید بلند آفتاب

من و گرز و میدان افراسیاب

وقتی که از حرکت کاروان و رنج سفر سخن گفته‌اند ، به سراغ وزنی رفته‌اند که طول هجاها و فاصله‌ها و تکیه‌ها حرکت آرام کاروان و آهنگ وقار آمیز گام شتران را منعکس کند .

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود

شرح هجران و غم عاشقانه را در قالبی ملایم موضوع ریخته‌اند :

دوست می‌دارم من این نالیدن جانسوز را

غرور فقر و تحکم هنرمندان را بدینسان عرضه کرده‌اند که :

گرچه ما بندگان پادشهم

پادشاهان ملک صبحگهیم

یقین می‌توان دعوی کرد که هیچ‌کسی با خواندن المعجم شمس قیس رازی یا معیار الاشعار خواجه نصیرطوسی شاعر نشد و هیچ صاحب ذوقی برای درست خواندن اشعار سعدی و حافظ نیازی به مراجعه بدین کتابها پیدا نکرد .

زیرا مردم از برکت زندگی طبیعی خود نیازی بدین محرك‌های مصنوعی نداشتند . از اوایل زندگی سرچشمه را درمی‌یافتند و گوش طبعشان از دوران کودکی با شنیدن و خواندن و بخاطر سپردن اشعار گوناگون ، با ریزه‌کاریهای وزن و شعر فارسی آشنا می‌شد و هیچ عامل معارضی هم درپیش چشم و صفحه ذهنشان وجود نداشت .

در هر خانه ای کلیات سعدی و غزلیات حافظ به دسترس بود و در هر قهوه خانه و بر سر هر گذری نقالان و شاهنامه خوانان و مکرکه گیران با خواندن اشعار به پرورش ذوق جوانان می‌پرداختند .

با این وصف کسی نیازمند مراجعه به کتاب عروض نبود . کتابهای عروض در حکم جدول کلمات متقاطع بود برای تفنن پرستان احياناً کج سلیقه‌ای که می‌خواستند در قالب شعر فارسی مماغویی کنند و بی طبع روان به صنعت‌گری پردازند و شعر مشجر و مربع و محجر بگویند . و به همین دلیل کسی از اهل ذوق به فکر تصنیف و تدوین کتابی درقواعد وزن شعر فارسی نیفتاد .

اما در قرن ما ، وضع جز این است و روزگار جز این است . در بسیاری از خانواده‌ها صفحات جاز امریکائی و موسیقی فرنگی جانشین کلیات سعدی و دیوان حافظ شده است ، تغییر چهره زندگی و تنوع تفریحات شبانه مجالی برای محافل خانوادگی و شاهنامه‌خوانی باقی نگذاشته است . وسائط ارتباط جمعی و مجلات مردم‌پسند به علل مالی و نظری ، به چاپ آثاری به عنوان شعر علاقه می‌ورزند که ساختن نظیر آن برای هر کودک دبستانی و شاگرد دبیرستانی امکان داشته باشد و در قلمرو هنر به تمام معنی کلمه رعایت دموکراسی شده باشد . در روزگاری این چنین جای هیچ تمجیبی نیست ، اگر داوطلب ورود به دانشگاهی برای نمونه دو بیت شعر فارسی در خاطر نداشته باشد و فردوسی را از شاهان عهد مفلول پندارد و حافظ را پیش نماز مسجد تبریز تصور کند ، ولیسانسیه ادب فارسی نتواند کلام موزون را از ناموزون تشخیص دهد .

با اوضاعی چنین ، برای دانشجویی که می‌خواهد در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پردازد ، فوری‌ترین و لازم‌ترین درس آشنائی با وزن شعر فارسی است . این در حکم ضروریات اولیه است ؛ و درینا که ازین امر مهم و لازم و فوری غفلت کرده‌ایم به‌تصور اینکه دانشجوی امروزی هم به‌حکم ذوق و محیط تربیتی گوشش با وزن آشنائی دارد و حاجتی به‌خواندن و آموختن وزن شعر ندارد .\*

\* نمونه مضحك و درعین حال رقت انگیز این غفلت و به‌عبارت دیگر ادای مستحب و ترك واجب اینکه به همین دانشجو - که پیداست چه مایه با زبان عربی آشناست - در دانشکده ادبیات درسی تحمیل می‌کنیم به اسم « معانی و بیان عربی » و برای کسی که از خواندن ساده‌ترین متون فارسی عاجز است ، صنایع ادبی مملقات سبع را شرح می‌دهیم ! ماجرای

برای آشنا کردن دانشجویان امروزی با وزن شعر فارسی ، در قدم اول به کتابی نیاز داریم و رای الممجم و میار الاشمار و امثال آنها . کتابی خالی از اصطلاحات وحشت انگیز « مضارع مخنق محبوب مکفوف اصلم » .

و با عباراتی قابل فهم و بدور از شرح زحاف های من در آوردی و تعبیرات و توجیحات آدم گیج کن خسته کننده .

این نیاز را سالها پیش ازین یکی از شاعران و محققان بنام عصر ، درک کرد و همت به تألیف کتابی گماشت به عنوان « تحقیق انتقادی در عروض فارسی » که سورت کامل شده آن در چاپهای بعدی با نام « وزن شعر فارسی » منتشر شد و درین زمینه قدمی انقلابی و ایتکاری بود و هنوز هم هست .

دکتر خانلری را می گویم . دانشمندی که در جنب فضایل متمدنش صاحب فضیلتی است به گمان من منحصر به فرد و ممتاز ، و آن عبارت است از توانایی عجیب این مرد در طرح مسائل دقیق فنی به زبانی ساده و همه کس فهم .

هر که « وزن شعر فارسی » را خوانده باشد و با کتابهایی که گذشتگان در عروض فارسی نوشته اند - مثلاً الممجم - آشنائی داشته باشد ، می داند چه میگویم . (۱)

مطالب پیچیده علمی را به شیوه ای نوشتن که برای دانشجویان و تازه کاران آن رشته قابل درک و فهم باشد ، محتاج دوشرط است - یکی تسلط همه جانبه وی چون وچرای نویسنده بر جزئیات آن مبحث که امری مکنتسب است و ، دیگری لطف سخن و قدرت تعبیر که بگمانم قسمت اعظمش خداداد است .

باری « وزن شعر فارسی » کتابی است که با همه تقلیدهای ناشیانه و رندانه پخته خوران روزگار ماهیچنان یکتا مانده است و مطالعه اش برای هر کسی که می خواهد در ادبیات فارسی دوره ای بگذراند واجب .

بجز این کتاب که به نسبت مفصل است ، چند مقاله هم از نویسنده همان کتاب سالها پیش در مجله سخن منتشر شد در زمینه « وزن شعر » به صورتی بسیار مختصر و آسان فهم ، که بعداً در کتاب « شعر و هنر » نیز تجدید چاپ شد .

من که درصدد تهیه جزوه ای بودم تا دوستان دانشجوییم بی مدد معلم و امیدگی ذوق ، با مطالعه آن مقدمات وزن شعر فارسی را دریابند ، نشر آن مقاله ها را در دفتری مستقل بر تألیف و نگارشی تازه ترجیح دادم و امیدوارم با خواندن این مقالات با وزن شعر فارسی بطور کلی آشنا شوند ، و مطالعه کتاب حاضر مقدمه ای باشد برای مراجعه به کتابهای مفصل تر و شناختن وزن های گوناگون شعر فارسی (۲) .

←

خوردین دهاتی و خانه کدخدا را که به خاطر دارید ؟

۱- و ازین قبیل است اثر دیگر او به نام « تاریخ زبان فارسی » بحث فنی دقیقی که خواندن و فهمیدنش برای مبتدی هم امکان دارد .

۲- یادداشتی است که سیمدی سیرجانی بر کتاب « آشنائی با وزن شعر فارسی » نوشته است و بزودی منتشر می شود .